

متن پرسش

با سلام و تشکر از استاد اصغر طاهرزاده که آثار ایشان در موضوع مهدویت و انقلاب اسلامی بدیع و بی سابقه هستند. در باب کتاب «گوش سپردن به ندای بی صدای انقلاب اسلامی» بنده یکی از مجهول ترین موضوعات در زندگی را کشف کردم و بسیار راهگشا بود. اما یک نظری هم به عنوان یک مخاطب عام داشتم و آن نوع داوری ایشان در مورد ظهور و خفای وجودی انقلاب اسلامی بود که در بعضی مصادیق دولت های سازندگی و اصلاحات را مربوط به دوران اختفای امر وجودی انقلاب اسلامی دانستند که به نظر من این نوع داوری چندان برایم پذیرفته نیست که ظهور و خفا یا شدت و ضعف این پدیدار را مربوط به نهادها کنیم، ممکن است فردی کارمند موزه ی لوور باشد اما با عالم هنر هیچ نسبتی نداشته باشد اما یک چوپان با نواختن زیبایی نی در عالم هنر باشد و به تبع می توان گفت شاید فردی کارمند بنیاد فرهنگی روایت فتح در تهران باشد اما از اپوزسیون ضدانقلاب فاسدتر و فاجرت‌تر باشد اما یک جوانی در یک مجلس عروسی گناه آلود باشد اما در دل به انقلاب اسلامی تعلق دارد و از حضور در مجلس ناراضی است و به خاطر جبر خانواده و برخی محدودیت ها ناچار به حضور در آن مجلس است. (در عصر سیطره ی نیهلیسم تفاوتی میان کارمند شبکه ی جرثومه ی منوتو با نهادهای ارزشی در داخل کشور نیست، چون در ذهن و ضمیر اغلب نسل جدید فقط یک چیز معیار است و آن برخورداری و رفاه است که برای آن می توان در اداره نماز خواند اما بیرون اداره نماز نخواند یا در اداره چادر به سر کرد ولی در بیرون اداره چادر را برداشت بماند که وجود چنین نهادهایی که متصدی امور ارزشی هستند خود دچار تردید اساسی هستند، مگر می توان هدایت مردم را به نظام کارمندوارگی محول کرد، نصب پوستر های بزرگ مناسبی در بیلبوردهای شهر و ایستگاه های مترو یا تهیه ی برخی از آثار هنری و یا اردوهای اجباری برای بیلان کار و گردش کار و پر کردن ویتترین گزارش کار یا پر کردن آنتن تلویزیون برای رفع مسئولیت، چیزی جز حیف و میل کردن بیت المال و به هدر دادن ظرفیت های جوانان نیست) در دوران سازندگی و اصلاحات علی رغم زاویه و حتی انحراف از ارزش های انقلاب اسلامی در برخی از نهادها، در میان نیروهای متعلق به انقلاب اسلامی ظهور و شدت و حرارت زیادی وجود داشت چون این نیروها اولاً خودجوش بودند و تقریباً در نهادی جای نداشتند و دوماً گرفتار پدیده ی «اشرافیت مذهبی» در دولت نهم و دهم و بوروکراسی و حکم و امتیازهای استخدام و... نشده بودند اما با دولت نهم و دهم به دلیل ورود این نیروها در چارت اداری و رسمی و... آن صفا و جاذبه و فضای به شدت به یادماندنی گذشته در اختفا رفت. و به یکباره آدمی در تحیر می ماند که آن فریاد های حاجی بخشی با تویوتای فرسوده و اوراقی، شعرخوانی آقاسی در مجالس

کم زرق و برق و حتی مزار شهدا با وجود همان فرم و شکل ساده چه داشت که اکنون با این همه بودجه و فیلم های میلیاردی و کتاب های فراوان با روایت های بدیع و... در حسرت آن دوران هستیم. در نهایت منظوم نوع داوری آقای طاهرزاده بر مبنای زبان اشارت بود، این زبان اشارت در «نهاد» پیدا نمی شود اما در قلوب و یادها ممکن است وجود داشته باشد. پیشاپیش منتظر آثار آقای طاهرزاده در موضوعات دیگر هستیم، عمرش دراز و عزتش مستدام باد ان شاءالله

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: تذکری است به جا، و حقیقتاً فضای عرایض بنده بناست در همان چشم اندازی باشد که جنابعالی متذکر می شوید. آری! زیباترین فضا برای به نمایش آمدن زیبایی های معنوی، فضای انتخاب آزاد انسان ها است و این است آنچه ما باید پاس داریم. موفق باشید